

کلام مرحوم حائری:

تا کنون دو راه برای اینکه شارع بتواند به عبادات امر کند مطرح شد. یکی آن بود که «قصد امر» در متعلق خود امر اخذ شود و دیگر آنکه قصد امر اول در متعلق امر دوم اخذ شود هر دو راه حل از دید ما مبرای از اشکال بود. راه حل سومی هم توسط مرحوم آخوند مطرح شد و آن حکم عقل بود.

این راه حل را نپذیرفتیم.

مرحوم حائری دو راه حل دیگر ارائه می دهند:

❖ راه حل اول مرحوم حائری:

ایشان می نویسند:

«و يمكن ان يقال: ان المعتبر فيها ليس إلّا وقوع الفعل على وجه يوجب القرب عند المولى و هذا لا يتوقف على الامر، و بيان ذلك ان الفعل الواقع فى الخارج على قسمين: احدهما ما ليس للقصد دخل فى تحققه بل لو صدر من الغافل لصدق عليه عنوانه، و الثانى ما يكون قوامه فى الخارج بالقصد كالتعظيم و الاهانة و امثالها، و ايضا لا اشكال فى ان تعظيم من له اهلية ذلك بما هو اهل له و كذا شكره و مدحه بما يليق به حسن عقلا و مقرب بالذات و لا يحتاج فى تحقق القرب الى وجود امر بهذه العناوين، نعم قد يشك فى ان التعظيم المناسب له او المدح اللائق بشأنه ما ذا؟ و قد يتخيل كون عمل خاص تعظيما له، او ان القول الكذائى مدح له و الواقع ليس كذلك بل هذا الذى يعتقده تعظيما توهين له، و هذا الذى اعتقده مدحا ذم بالنسبة الى مقامه.»^۱

توضیح :

۱. عبادات آن دسته از افعال هستند که باید به نحوی اتیان شوند که موجب تقرب بنده به مولی شوند.
۲. اساساً تقرب به مولی محتاج امر نیست.
۳. توضیح مطلب آنکه: افعال که در خارج واقع می شوند دو گونه اند یک دسته قصد مباشر در پیدایش عنوان در آنها دخالتی ندارد [مثلاً تمیز کردن] ولی دسته دوم آن هایی هستند که اگر مباشر قصد خاصی نکند، آن فعل عنوان مورد نظر را نمی پذیرد مثل اهانت که در صورتی یک فعل اهانت است که مباشر قصد اهانت داشته باشد و یا مثل تعظیم و تکریم.
۴. پس اگر کسی دیگری را تکریم کرد، (کسی را که لایق تکریم است) این حُسن عقلی دارد و برای پیدایش

۱. در الفوائد (طبع جدید)؛ ص ۹۵



حسن محتاج امر نیستیم.

۵. البته باید عمل هم صلاحیت اینکه با آن تعظیم صورت پذیرد را داشته باشد و لذا گاه فردی می خواهد تعظیم کند ولی کاری می کند که توهین است.

ایشان سپس نتیجه می گیرد:

«اذا تمهد هذا فنقول: لا اشكال في ان ذوات الافعال و الاقوال الصلواتية مثلا من دون اضافة قصد اليها ليست محبوبة و لا مجزية قطعاً، و لكن من الممكن كون صدور هذه الهيئة المركبة من الحمد و الثناء و التسبيح و التهليل و الدعاء و الخضوع و الخشوع مثلا مقرونة بقصد نفس هذه العناوين محبوبا للآمر، غاية الامر ان الانسان لقصور ادراكه لا يدرك ان صدور هذه الهيئة منه بهذه العناوين مناسب بمقام الباري عزّ شأنه و يكون التفاته موقوفاً على اعلام الله سبحانه، فلو فرض تمامية العقل و احتوائه بجميع الخصوصيات و الجهات لم يحتج الى اعلام الشرع اصلاً، و الحاصل ان العبادة عبارة عن اظهار عظمة المولى و الشكر على نعمائه و ثنائه بما يستحق و يليق به، و من الواضح ان محققات هذه العناوين مختلفة بالنسبة إلى الموارد، فقد يكون تعظیم شخص بان يسلم عليه، و قد يكون بتقبيل يده، و قد يكون بالحضور في مجلسه، و قد يكون بمجرد اذنه بان يحضر في مجلسك او يجلس عندك، الى غير ذلك من الاختلافات الناشئة من خصوصيات المعظم - بالكسر - و المعظم - بالفتح - و لما كان المكلف لا طريق له الى استكشاف ان المناسب بمقام هذا المولى تبارك و تعالی ما هو إلا باعلامه تعالی لا بد ان يعلمه أولاً ما يتحقق به تعظيمه ثم يأمره به، و ليس هذا المعنى مما يتوقف تحققه على قصد الامر حتى يلزم محذور الدور.»^۱

توضیح :

۱. هیأت صلوة (اجزاء و شرائط) از دیدگاه شارع مصداق اتم و تعظیم و تکریم شارع است ولی از مصادیقی است که ما آن را نمی شناختیم و لذا شارع آن را معلوم کرده است و با «امر» آن را معین کرده است.
۲. پس شارع صرفاً معلوم می کند که مصداق مناسب با جایگاه خدا، کدام تعظیم است و وقتی این مصداق معلوم شد برای اینکه به وسیله آن تقرب به خدا بجوییم لازم نیست «امر به قصد امر» صورت پذیرد. پس:
۳. ما باید عبادت کنیم و عبادت فعلی قصدی است و مصداق را که شارع معلوم کرد، ما با قصد آن را عبادت می کنیم چراکه اگر قصد عبادت در میان نباشد، این عمل اصلاً عبادت نیست.

۱. در الفوائد (طبع جدید)؛ ص ۹۶



ما می گوئیم :

ما حصل فرمایش مرحوم حائری آن است که:

- ✓ الف) عبادت صرفاً تقرب جستن به وسیله یک عمل است.
 - ✓ ب) تقرب جستن محتاج امر نیست چه رسد به آنکه محتاج قصد امر باشد.
 - ✓ ج) اینکه چه عملی صلاحیت آن را دارد که به وسیله آن تقرب بجوئیم، محتاج آن است که شارع آن را معلوم کند.
 - ✓ د) پس شارع امر می کند و مصداق تعظیم را معین می کند و ما آن را با قصد تعظیم به جای می آوریم.
 - ✓ هـ) چنین عملی مقرب است پس عبادت است.
 - ✓ و) پس عبادات محتاج آن نیستند که شارع به «قصد امر»، امر کند بلکه همین که یک امر کلی کرده است که «عبادت کن» و بعد مصادیق را معلوم کرده است، کافی است.
- مرحوم بروجردی بر مرحوم حائری اشکال کرده است، حضرت امام سخن مرحوم بروجردی را چنین تقریر کرده اند:

«و فيه: أن الإجماع قائم، بل الضرورة على لزوم قصد التقرب في العبادات و لولا ذلك لأمكن لنا إنكار أصل قصد القرية و الامتثال فيها؛ لكونه أسهل من دفع هذه العويصة، و إنما أوقع الأصحاب في حيص و بيص، قيام هذا الإجماع و الضرورة، و على ما ذكره قدس سره يلزم أن لا يعتبر في العبادات قصد التقرب.»^۱

توضیح :

۱. همه کلام مرحوم حائری بر این استوار بود که قصد تعظیم در عبادت یک عمل کافی است در حالیکه ضرورت و اجماع داریم که علاوه بر آن باید قصد تقرب هم موجود باشد.
۲. و اگر چنین اجماع و ضرورتی نبود اصل قصد قربت را منکر می شدیم.

ما می گوئیم :

کلام مرحوم حائری به نوعی دیگر نیز تقریر شده است که از اشکالات بیشتری بر خوردار است. در این تقریر ایشان می خواهد بگوید:

«عبادت بودن به آن است که عنوان صلوة [و نه عنوان عبادت] بر یک عمل صدق کند.»

۱. لمحات الأصول؛ النص؛ ص ۷۲

